

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۴/۰۴/۲۹

لیکوال: معاون سرمحقق عبدالحکیم صافی¹
رالپروونکی: احسان الله ارینزی

جنگ دوم افغان و انگلیس و نقش غازی محمدجان خان درین جنگ

وردگ د تاریخ په بهیر کې سیمینار

شپاړسمه مقاله

(تاریخ به منزله حافظه بشریت است که تمام وقایع و اتفاقاتی را که به او گذشته است نگهداری میکند.)



کشور عزیز ما افغانستان در ادوار مختلف تاریخ پر تلاطم خویش فراز و فرود های زیادی را پیموده و در هر یکی از این دوره ها و مقاطع معین تاریخ نه تنها مدنیت های با عظمت و پر شکوه بلکه شخصیت ها و رجال بزرگ و ناموری در دامان خود رشد و پرورش داده است. بدون تردید در رشد و پرورش و شکل گیری شخصیت این مردان بزرگ و چهره های نامور، چگونگی جریانات تاریخی و شرایط عینی و ذهنی زمان اثرگذار بوده است.

د پاڼو شمیره: له 1 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ



درگیر و دار این حوادث و جریانات تاریخی نام نیک را آنهای نصیب شده اند که نیات و عملکردهای شان در جهت دفاع از تمامیت ارضی، استقلال ملی و حراست از منافع علیای وطن و نجات مردم از بیداد مستبدین و متجاوزین بوده و در دوره حیات و مسئولیت های خویش چنان اقدامات و کارنامه های را از خود بجا گذاشته اند که منظور از آن نه صرفاً ارضای خواسته های شخصی، بلکه آرزوها و آمال اکثریت افراد جامعه و قاطبه ساکنین و بخصوص نیازمندان بوده است.

خوش بختانه ما در تاریخ کشور خویش شخصیت های بزرگ ملی و تاریخی زیادی داریم که هر یک او شان، نقش و رسالت خویش را در هر یکی از مراحل و مقاطع معین تاریخ کشور بشکل نیکو و شایسته ایفا نموده اند که یادآوری و گرامی داشت از کارنامه های آنان برای نسل های امروز و فردای کشور نه تنها افتخار آمیز بلکه آموزنده و الهام بخش نیز است.

بر مبنای همین اصل مطالعه و بازخوانی سرگذشت مردان بزرگ و نامور برای نسل های امروز و فردای کشور، درس های مهم و عبرت انگیز تاریخ کشور بوده و خواهد بود.

بگذار که علاقمندان تاریخ وطن، مردان بزرگ و قهرمانان ملی و خدمتاران صادق کشور خود را بدرستی بشناسد و از وطن دوستی، فداکاری و شجاعت و کارنامه های سترگ آنان در زنده گی خویش سر مشق و الهام گیرند و ببینند و بیاندیشند که اجداد و نیاکان شان، چگونه منافع شخصی خویش را فدای منافع و مصالح علیای وطن نموده و مبرا از هر گونه علایق و احساسات تن نظرانه، همه توان و انرژی خود را در خدمت آزادی، اتحاد و همبستگی و تامین رفاهیت و سعادت هم میهنان خویش قرار داده اند.

و این همان چیزی است که در شرایط کنونی جامعه و کشور ما بیش از هر زمان دیگر به آن نیاز دارد. زیرا در اوضاع و احوال کنونی دستان غرض آلود از هر سو به منظور از میان بردن اتحاد و همبستگی، وحدت و یک پارچگی و اعتماد ملی ساکنین وطن ما دراز گردیده و برای زایل ساختن افتخارات مردم ما تلاش نمایند.

از این حرفهای مقدماتی که بگذاریم در تاریخ معاصر کشور و آنهم در جریان دومین تجاوز انگلیس بر حریم کشور و راه اندازی نبرد آزادی بخش در برابر آن در ردیف دهها و صدها چهره تابناک و خدمتاران صادق میهن که تمام توانایی و استعداد خود را در امر دفاع از آزادی و استقلال ملی و تامین وحدت و یک پارچگی ساکنین کشور و طرد نفوذ اجنبی بکار برده اند یکی هم غازی محمد جان خان وردگ میباشد که بایست با قدر شناسی از شخصیت و کارنامه بزرگ و نقش مهمی که در جریان جنگ دوم افغان و انگلیس ایفا نموده اند یاد آوری بعمل آورد.

ممکن است عده محدودی از افراد جامعه و آگاهان کشور از این چنین شخصیت های نامور و درخشنده و حماسه آفرینان وطن از زاویه تعلقات قومی و یا سمتی یادآوری و قدرشناسی بعمل آورند و اما حقیقت آن است که این جان نثاران وطن و قهرمانان ملی که در حساس ترین لحظات تاریخ کشور با روحیه وحدت و یک پارچگی و احساسات

عالی و وطن دوستی و مردم دوستی و دور از هرگونه گرایش های تنگ نظرانه برای وطن خدمات صادقانه را انجام داده اند، بالای همه گان و همه قلم بدستان رسالت مند از هر گوشه و کنار کشور حق دارند که با قدرشناسی از شخصیت و کارنامه های ارزشمند او شان تذکر بعمل آورند، زیرا کارنامه های او شان به تاریخ وطن و همه باشندگان کشور تعلق دارد.

بدون شک مضمون حاضر روی همچو نیاتی روی دست گرفته شده، بر گردیم به اصل موضوع:
دولت استعماری انگلیس که بعد از تاسیس کمپنی هند شرقی در اوسط قرن هفدهم میلادی قدم به قدم در پیاده کردن اهداف سیاسی و استعماری شان در سر زمین پهناور و ثروت مند هند مبادرت ورزیدند، در مسیر این سیاست بازی و سیاست گذاری توانستند رقبای خود را از سر زمین هند خارج و خود مالک الرقاب آن کشور گردند. آنها به منظور حفظ پایگاهها و منافع استعماری شان در سرزمین هند و به بهانه جلوگیری از پیشروی و حملات احتمالی روسها بسوی جنوب و آبهای گرم بحر هند با تطبیق سیاست فارورد پالیسی یا پیشقدمی چند بار افغانستان را مورد تهاجم قرار دادند، که در هر بار تهاجم در اثر مقاومت دلیرانه مردم بشکست و عقب نشینی مواجه گردیده و اما خسارات هینف جانی و مالی را هم خود متحمل شدند و هم بر کشور ما وارد ساختند.

در روند تطبیق همین سیاست بود که انگلیس ها برای دومین بار در طی سال ۱۸۷۹م کشور ما را به بهانه های مختلف و بخاطر تطبیق اهداف استعماری شان در دوره زمامداری امیر شیرعلی خان و به منظور تحت فشار قرار دادن و بر انداختن امیر مذکور که خلاف توقع و میل انگلیس ها تا حدودی با روسها تمایل داشت مورد تهاجم قرار دادند.

به قول کاندید اکادمسین محمد ابراهیم عطائی: (امیر شیرعلی خان درین آرزو بود تا از وجود هیئت روسی به حیث تهدید بر انگلیس ها استفاده نماید، ولی انگلیس ها از آمدن هیئت روسی بسیار سرآسیمه گردیده و تصمیم از بین بردن پادشاهی امیر گرفته شد.) (۱)

آمدن هیئت روسی تحت ریاست دگرمن ستالیتوف در کابل مامورین سیاسی انگلیس را در مورد امیر شیرعلی خان به تشویش انداخت و به این بهانه طرفداران سیاست فارورد پالیسی انگلیس مصمم گردیدند که بهر وسیله ممکن امیر شیرعلی خان را که بر خلاف پدرش در امور سیاست خارجی طرفدار سیاست دروازه باز و النسبه استقلال طلب بود از صحنه قدرت کنار زنند.

در حالیکه قوت های نظامی انگلیس خود را به نزدیک سرحدات افغانستان و دروازه های مرزی کشور رسانیده بودند نامه ای به امیر شیرعلی خان ارسال نمودند و در آن تذکر داده بودند که یک هیئت سیاسی انگلیسی به کابل روان میشود و بایست امیر باوی ملاقات نماید.

این نامه در ۱۷ اگست سال ۱۸۷۸م در چنان روزی به کابل رسید که امیر در حین ادای نماز جنازه پسر دوست دارش شهزاده عبدالله جان قرار داشت و نتوانست که از هیئت با خاطر آرام و جبین باز استقبال نماید. انگلیس ها درین نامه مطالب تهدید آمیزی به امیر نوشته و از وی خواسته بودند که بدول تغل و ضایع شدن وقت از هیئت انگلیسی استقبال نموده و هیئت روسی را از کابل مرخص نماید. اما امیر با روحیه استقلال طلبی نسبی ای که داشت نمی خواست زیر بار و تحت کنترل سیاسی انگلیس و مقامات هند برتانوی قرار گیرد.

به تعقیب رد و بدل نمودن این نامه ها و مکاتبات انگلیس ها مصرانه تصمیم گرفتند تا با صدور اولتیماتوم با امیر کابل وارد جنگ شوند.

(بتاريخ ۳۱ اکتوبر ۱۸۷۸م اولتیماتوم وایسرا بنام امیر شیرعلی خان صادر گردید که در آن نوشته بود، باید امیر دو موضوع را در نظر داشته باشد. اول باید از نامه خویش رسماً معذرت بخواهد زیرا در آن به انگلیس ها اهانت شده است. دوم اینکه سفارت رسمی انگلیسی در کابل پذیرفته شود.) (۲)

این مطالبات آن چیزی بود که امیر نمی خواست زیر بار آن برود. بهر حال انگلیس مصمم گردیده بودند که به افغانستان حمله نموده و امیر شیرعلی خان را از قدرت براندازند.

در چنین اوضاع و احوال امیر شیرعلی خان سخت دوچار ضعف و آشفتگی روحی و سیاسی گردیده بود. از یک طرف فشار های ناشی از سیاست ها توسعه طلبانه و جاه طلبانه و زورگویانه مقامات سیاسی انگلیس، از جانب دیگر تاثرات ناشی از وفات پسر دوست دارش شهزاده عبدالله جان، از جانبی هم کشته شدن پسر دیگرش محمد علی خان و برادرش سردار محمد امین خان در جنگهای قندهار و هم چنان عدم حمایت روسها از موقف امیر، این همه عوامل سبب آن گردیده بود که امیر عزم و اراده و ثبات خود را از دست داده و باز هم به امید موهوم کمک روس به مزار رفته و آنجا رهسپار سن پترزبورگ گردد.

در همچو اوضاع امیر درباری متشکل از اراکین بزرگ دولتی تشکیل داد و برنامه خود را برای آنها بیان نموده و در ضمن پسرش سردار محمد یعقوب خان را بعد از هشت سال زندان آزاد ساخته و به جاه نشینی خود تعیین نمود و خود رهسپار مزارشریف گردید و از اردوی نیرومند پنجاه هزار نفری ای که تشکیل و تهیه دیده بود کمترین استفاده نه نمود. در حالیکه این اردوی ملی آماده رزم و پیکار در مقابل مهاجم بود.

انگلیس بعد از تصمیم گیری نهایی از سه سمت از طریق معابر سوق الجیشی سه گانه به سوقیات در افغانستان پرداختند.

۱- از سمت دره خیبر و راه طورخم تحت قوماندانی جنرال براون.

۲- از طریق پیوار و دره کرم تحت قیادت جنرال رابرتس.

۳- از طریق چمن به قوماندانی جنرال استوارت.

در باره سوقیات قوای مهاجم انگلیسی از طریق معابر سوق الجیشی سه گانه کشور از اظهارات عبدالحق مجددی در کتاب (حقیقت التواریخ) چنان بر می آید که:

۱- یکدسته قشون انگلیسی تحت قیادت جنرال استوارت از راه دیره غازی خان به راه بولان، کوپته، کوژک و چمن به قندهار آمدند که تعداد آنها به ۱۹۵۰۰ نفر می رسید که به تعداد ۱۸۰ توپ نیز در اختیار آنها قرار داشت. درین وقت مردم قندهار بالای قوت های انگلیس ها حمله کردند که تلفات زیادی به دشمن وارد آورد.

۲- دسته قشون دیگر از راه دره خیبر تحت جنرال براون و جنرال صاد همراهی دو فرقه عسکر به قلعه نظامی علی مسجد حمله کردند و آنرا تصرف نمودند. افریدی ها و مهمند ها بالای انگلیسی ها حمله کردند.

۳- در محاذ کرم جنرال فردریک رابرتس با پانزده هزار نفر عسکر از شهر تل بطرف دره کرم حمله نمودند که در پیوار به مقاومت کندک های سرحدی به قوماندانی غند مشر گل محمد خان و کندک مشر عبدالعلی خان مواجه شدند و بر آنها خسارات جانی و مالی وارد نمودند. (۳) طوریکه قبلا اشاره شد در گرما گرم همین جریانات امیر شیرعلی خان به امید موهوم کمک روسها بطرف مزار شریف رفت و در همانجا وفات نمود و در کابل پسر علیل و ضعیف الاراده اش محمد یعقوب خان به تخت سلطنت تکیه زد و خسرش سردار یحیی خان که در سرزمین هند خود را بدربار یعقوب خان رسانیده بود، وی را جهت سازش و معامله با انگلیس ها تشویق مینمود. و به اثر همینگونه تشویق ها و سازش ها بود که سر انجام منجر به امضای معاهده ننگین گندمک بین امیر محمد یعقوب خان و سر ویلیام کیوناری در ۲۶ می ۱۸۷۹ در گندمک جلال آباد گردید. درست در همانجاییکه انگلیسی ها در طی جنگ اول افغان و انگلیس در اینجا متحمل تلفات سنگین گردیده بودند.

با امضای این معاهده علاوه بر اینکه بر استقلال سیاسی کشور ما لطمه وارد گردید، انگلیس ها چانس آنرا یافتند که در امور داخلی کشور ما نیز دخالت نمایند، قسمت وسیعی از خاکهای افغانی در سرحدات شرقی و جنوب شرقی کشور به انگلیس ها واگذاشته شد.

چنانچه در قسمتی ازین معاهده تذکر رفته بود: (امیر افغانستان و ملحقان آن متعهد است که در روابط با حکومت های خارجی پایبند مشوره با حکومت برتانیه بوده و با این حکومت عهد بندند... امیر محمد یعقوب خان یک سلسله جبال صعب العبور را با ساکنین دلیر آن که سپر افغانستان در شرق کشور به مقابل هجوم استعمار بود با علاقه کرم تا ابتدای جاجی، دره هیبتناک خیبر تا کناره های شرقی هفت چاه، لندی کوتل، سیبی و پشین را تا کوه کوژک و استقلال کشور افغانستان یکجا و رسماً به دشمن تسلیم نمود و دست اجنبی را در داخل افغانستان آزاد گذاشت. (۴) همچنین در یک قسمت ماده نهم این معاهده تذکر رفته بود: (حکومت برتانیه انتظام میچنی و خیبر را که بین پشاور و جلال آباد واقع است، در دست خود میگیرد و هم انتظام امور رفت و آمد قبایلی را که در ین دو منطقه تعلق دارند برتانیه بدست خود خواهد داشت. (۵) مردم آزادی خواه و مبارزان ملی کشور بر مورد این موافقت نامه اعتراض نمودند و از جمله غازی محمد جان خان وردگ نیز برین معاهده ننگین و تحمیلی شدیداً اعتراض داشت.

همینکه مردم آزادمنش کشور و در راس و رهبری آنها مبارزین ملی کشور احساس نمودند که انگلیس ها با استفاده از زور و حيله و نیرنگ روز تا روز به دامنه نفوذ خود درین کشور تلاش دارند و استقلال و تمامیت ارضی آنرا معروض خطر نموده اند، با ایمان کامل و عزم راسخ در فکر مقاومت و راه اندازی قیام عمومی ملی بر علیه متجاوزین انگلیس گردیدند که در آغازین مرحله این قیام ملی کیوناری سفیر و نماینده سیاسی انگلیس در بالاحصار بدست مبارزین ملی مقتول و اطافش به آتش کشیده شد. این واقعه موجبات خشم انگلیس ها را فراهم نمود و با گرفتن آماده گی های لازم و تجمع تعداد زیاد قوت های رزمی خویش پیش قدمی خود را بداخل خاک افغانستان شدت بخشیدند، و از هر سو و سمت به استقامت کابل مارش نمودند.

ملت که از پیش قدمی انگلیس ها شنیدند، در عالم بی وسیله گی و کمبود تجهیزات نظامی محض بنام جهاد و دفاع از خاک مقدس و شرف ملی، بیرق ها سرخ و سفید ترتیب کرده با سلاحیکه در دست داشتند، با بیل، تبر، شمشیر و خنجر آماده نبرد گردیدند و اما در ابتدا به کمبود مهمی که مواجه بودند فقدان رهبری و سرکردگی واحد و منتظم که جهت رفع این نقیصه و کمبود جنرال غازی محمد جان خان وردگ نقش مهمی را ایفا نمود.

انگلیس ها قوت های رزمی خود را در نقاط مختلف شهر کابل جابجا نموده و از سمت های مختلف جهت تقویه آنها نیرو میفرستادند و اما مبارزین ملی نیز با عقیده و ایمان راسخ در برابر آنها صف آرایی نموده و بر آنها تلفات وارد مینمودند. (با لشکر پنجاه هزار نفری انگلیس در هر محاذ جنگ صورت میگرفت و رهبران جهاد چون غازی محمد جان خان، ملامشک عالم، میر بچه خان و دیگران قوای خود را به کابل سوق کردند. ایوب خان و ملالی در جولای ۱۸۸۰، میوند را فتح کردند که در آن در حدود دوازده هزار تن از قوای انگلیس به هلاکت رسیدند. (۶)

انگلیس به تعداد قوت های کابل افزوده و قسما در تپه های بلند کابل جابجا نمودند و به انتقام قتل کیوناری بالاحصار تاریخی را ویران و مبارزان ملی را از دم تیغ کشیده و بر جان و مال شان دریغ ننمودند. اما این قتل و قتل عوض آنکه معنویات مردم را ضعیف سازد، بالعکس احساس و روحیه مقاومت را در آنها تقویه و تشدید نمود و همه در راه طرد نفوذ اجنبی آماده پیکار شدند.

(در همین موقع جنرال محمد جان خان وردگ در علاقه بین کابل و غزنی، ملا دین محمد معروف به ملا مشک عالم اندر و ملا عبدالغفور لنگری در علاقه بین غزنی و قندهار و سایر وطنخواهان قندهار در زمینداور و قندهار و ملیون کوهستانی در کوهستان، به تدارک مشغول بودند، مردمان وردگ، ترکی، سلیمان خیل، وزیر، خُدران و تاجک مثل سیل در رکاب این قهرمانان ملی جمع شده و برای نجات خاک مقدس وطن جهاد با کفار کمر همت بستند و در ماه محرم ۱۲۹۷ ق، دسمبر ۱۸۷۹م این قوه انبوه ملی وارد شیخ آباد گردیدند(۷) و از آنجا روانه کابل گردیدند. آزادی خواهان از هر سو و سمت بشمول نجراب و تگاب تحت سرکردگی غازی محمد عثمان خان صافی و برادرش محمد شاه خان، مردمان سایر نواحی شمال کابل به شهر کابل سرازیر شدند، قسمتی ازین قوت ها در تپه مرنجان و قسمتی هم در سایر نقاط مرتفع شهر سنگر گرفتند. یک هیجان ملی بر پا گردید که در جریان آن تلفات سنگینی بر قوای انگلیس وارد گردید.

مردم شهر کابل اعم از زن و مرد و زنان سالخورده درین جنگ شرکت ورزیدند، زنان در خانه ها در تهیه آذوقه و آب و نان پرداخته و پیرمردان آن را به سنگر ها می رساندند. در همین هنگام غلام حیدر خان چرخ نیز وارد کابل گردید و در رهبری قوت های ملی اشتراک ورزید. غازی محمد جان خان وردگ در قلعه های چهاردهی مرکز گرفته بود و با قوای معیتی خویش به شهر روان شده و در شهر جنگ های شدید را با انگلیس ها رهبری نمود. انگلیس ها با گریز از صحنه های نبرد بطرف قلعه شیرپور روان شده و خود را در آنجا حصار ساختند. غلام حیدر خان در بالاحصار مرکز گرفت. غازیان بعد از شکست دادن انگلیس ها درین صحنه های نبرد، به خبر دادن عده ای از خابنین ملی از جمله سردار ولی محمد خان مشهور به لاتی که در خدمت انگلیس ها به ملت و مردم خود خیانت میکرد پرداختند و خانه های شان را تاراج نمودند.

بقول سید قاسم رشتیا (اجساد عده ای از مقتولین انگلیسی در جوار قشله شیرپور از طرف مقامات انگلیسی دفن گردید و نام های بعضی از آنها روی سنگ کنده شده که تا امروز در محوطه مذکور که فعلا قبرستان خارجی ها و مطابق زبازرد همان وقت بنام قبر گوره ها معروف است موجود میباشد)*²(۸) بقول غبار درین جنگ از یک طرف قشون و توپ خانه منظم قرار داشت و از دیگر طرف مردمی که فقط با عقیده و وطن پرستی و آزادی خواهی خون خود را نثار میکردند و با پیش قبض و سیلاوه در برابر توپ خانه دشمن پیش میرفتند. موصوف یاد آور شده است: (بعد از آنکه جنگهای مردم با رابرتس شروع شد. ترانه ذیل در میدان های جنگ سروده میشد:

محمد جان خان مرد میدان است

ایوب خان شیر غران است

میر بچه رس رسان است

آزادی فخر افغان است

رابت کل لات کلان است

بیا بیادر انگور بخو (۹)

از مطالعه ماخذ و منابع تاریخی چنان بر می آید که در قیام عمومی ماه های سپتامبر و دسامبر ۱۸۷۹ بر علیه انگلیس ها مردمان متعلق به مناطق مختلف کشور از هر قوم و قبیله ایکه بودند اعم از پیر و جوان، زن و مرد، سنی و شیعه بطور خلاصه همه و همه با روحیه برادری و افغانی در جنگ آزادی سهم گرفتند و رجال و قهرمانان مشهوری ایشان را رهبری مینمودند.

در کابل و کوهستان محمد کریم خان، غلام حیدر خان کابلی، میر بچه خان کوهدامنی، میر غلام قادر خان اوپپانی، در تگاب و نجراب غازی محمد عثمان خان صافی و برادرش محمد شاه خان صافی، در لوگر غلام حیدر خان چرخ(بعدها سپه سالار)، سمندر خان و محمد محسن خان لوگری، در میدان وردگ غازی محمد جان خان وردگ، در غزنی و زابلستان ملا دین محمد اندری مشهور به مشک عالم، عبد القادر خان غزنوی، ملا عبدالغفور خان لنگری و گل محمد خان اندری، در هرات نایب سالار حفیظ الله خان و سردار محمد ایوب خان، در ننگرهار عصمت الله خان جبارخیل و همچنان دهها نفر رهبر دیگر اجتماعات و قیام های ملی را رهبری میکردند.

درین میان غازی محمد جان خان وردگ در جنگ های قلعه قاضی ضربات سختی بر نیرو های انگلیس وارد ساخت. این جنگ به قدری شدید بود که بالاخره به جنگ تن به تن منجر گردید. قوای ملی نیروی دشمن را شکسته و مجبور به فرار از صحنه جنگ نمودند. درین میان تره خیلی ها تپه مرنجان، لوگری ها بالاحصار را مرکز قرار داده و ملا مشک عالم و غازی محمد جان خان وردگ سایر نقاط شهر کابل را در دست داشتند.

در همین جنگ ها بود که مردم بیرق های رنارنگ بر افراشتند و زنان کابل وظیفه رساندن آب و نان را به مبارزان ملی در قلعه کوهها و سبز بدوش گرفتند. بقول غبار ۴۰۰ نفر از زنان کابل درین وظیفه سهم گرفتند و ۸۳ نفر آنان در جنگ کوه آسمایی جام شهادت نوشیدند.

در طی همین جنگ بود که قصه های تاریخی عاشقان عارفانی سر زبان ها افتید و عبدالله جوانی که تازه عروسی کرده بود و عروسش زهرا نام داشت. این جوان رشید افغان در طی همین جنگ جام شهادت نوشید و زهرا عروس جوانش تعهد کرد که شوهر دیگر نکرده و تا زنده است در خانه عبدالله و بنام عبدالله زنده گی مینماید.

به حواله منابع تاریخی یکی از رهبران قیام ملی در جریان این نبرد های آزادی بخش میر غلام قادر خان اویپانی بود که مردم را به جهاد تشویق نموده و هم خودش و هم مردم را تشویق مینمود که آنچه از نقره جات و زیورات دارند اعانه بدهند و وی آنرا نوب میکرد و از آن سکه میزد و به مصرف داوطلبان جهاد میرسانید. چون در آن اوضاع پادشاهی در کشور وجود نداشت تا بنام او خطبه خوانده شود و سکه ضرب زده شود بنام میر غلام قادر خان در مسکوکات نقره ای خود این بیت را منقود نموده بود:

میکنم دیوانگی تا بر سرم غوغا شود

سکه بر زر میزنم تا صاحبش پیدا شود (۱۰)

این همه غازیان و قهرمانان و از جمله غازی محمد جان خان وردگ رهبران حقیقی مردم افغانستان بودند که جان و مال خود را در راه دفاع از وطن نثار میکردند و اما هیچ کدام ادعای سلطنت خواهی و ثروت اندوزی برای خود نداشتند. آنها از نگاه اینار و فداکاری در صف اول قرار داشته واز نگاه امتیاز خواهی در صف آخر جاه میگرفتند. درین میان و از ردیف همین قهرمانان ملی و رهبران واقعی پیکار آزادی بخش مردم افغانستان غازی محمد جان خان وردگ نقش مهمی را در جریان جنگ دوم افغان و انگلیس ایفا نمود که اسناد و منابع موثق تاریخی و اظهارات صاحب نظران بر آن صحه میگذارد.

حبیب الله رفیع یک تن از محققان سابقه در اکادمی علوم افغانستان در زمینه یاد آور شده است:

زمانیکه انگلیس ها دست تجاوز به کشور ما دراز کردند مردم در برابر آن بپا خاستند. بزرگان و پیشوایان قوم جهاد را تبلیغ نموده و بخاطر اتحاد و یک پارچگی مردم تلاش نمودند و از اشتراک بزرگان قوم یک شورای رهبری ایجاد شد که در آن ملامشک عالم، محمدجان خان وردک، مولوی عبدالغفور آخندزاده، میر بچه خان و غیره اشتراک داشتند که در میان ایشان محمد جان خان وردک از همه پیش قدم بود. موصوف یکی از شخصیت ها و رجال بزرگ ملی بود که بر علیه تجاوز انگلیسی ها و مظالم ایشان قریه به قریه میگشت و مردم را به جهاد تشویق مینمود (۱۱).

پوهاند محمد حسن کاکر یاد آور شده است: غازی محمد جان خان وردک نخستین منصبدار نظامی انتخابی افغانستان است که سمبول آزادی خواهی و مبارزه ضد خارجی به حساب میرود. نه تنها در جنگ ها به پیروزی های نایل آمد بلکه برای اتحاد و اتفاق و یک پارچگی مردمان مناطق مختلف کشور اعم از غزنی، کابل، کوهستان، وردک، وزیرستان و غیره نقش کم نظیری را در تاریخ معاصر کشور از خود نشان داد و به حیث یک افسر فعال، لیدر شپ و شخصیت نظامی خود را اثبات نمود (۱۲).

محمد ولی خلمی در باره محمد جان خان وردک متذکر شده است: (جنرال محمد جان خان وردک یقیناً دشمن مشهور انگلیس ها بود، هنگامیکه انگلیس ها کابل را تصرف کردند. جنرال رابرتس در ۲۶ دسمبر ۱۸۷۹م در کابل عفو عمومی اعلان کرد. درین فرمان چهار تن شامل نبودند:

۱. محمد جان خان وردک،

۲. ملامشک عالم،

۳. غلام حیدر خان چرخ،

۴. سمندر خان (۱۳)،

استاد احمد علی کهزاد متذکر گردیده است: غازی محمد جان خان وردک یکی از مجاهدین معروف وطن است که نام و کارنامه های وطن خواهانه او در جنگ دوم افغان و انگلیس علی الخصوص در قیام ملی مردم کابل علیه قوای استعماری انگلیس قابل ذکر است. (۱۴)

بطور خلاصه میتوان گفت که جنرال محمد جان خان وردک در دومین نبرد آزادی بخش مردم کشور بر علیه قوای اشغالگر انگلیسی خدمات ارزنده ای را در عرصه های مختلف این پیکار ضد استعماری انجام داد. در راه تشویق مردم به جهاد، در راه اتحاد و اتفاق مردمان مناطق مختلف و بسیج همگانی آنها در مبارزه ملی، در رهبری و هدایت جنگ در طرح استراتژی و تکتیک های جنگی، در عرصه آماده ساختن تجهیزات نظامی و رساندن آذوقه و مصارف رزمندگان افغانی و تمام امورات لوژستیکی، در راه تشکیل مجالس بزرگ سران و سرکردگان قومی و رزمی و در راه تامین و نظم و دسیپلین قوی از برکت همه خدمات ارزنده و جانفشانی ها و درایت و کاردانی او در جریان محاربات آزادی بخش ملی بود که در مجلس بزرگ مشورتی سران قومی و لشکری به حیث قوماندان عمومی جبهات جنگ انتخاب گردید.

در همین جرگه بود که یکی از زنان مبارز افغانی بنام غازی ادی از محمد جان خان اجازه خواست و به نماینده گی از زنان مبارز آماده گی خویش را جهت اشتراک درین نبرد حق طلبانه اعلان نمود. در جریان این نبردها ترانه ها و ابیات حماسی و رزمی ای بخاطر تشویق مردان و زنان افغان سروده شده است که در آن بار بار از محمد جان خان نام برده شده است که نسبت جلوگیری از طولانی شده مضمون از ذکر آن صرف نظر گردید.

این همه مبارزان و در میان آنها غازی محمد جان خان وردک چنان مردان راستین و خدمتگاران صادق وطن بودند که از هر گونه خود کامگی، تعصب و تنگ نظری، سود جویی و ثروت اندوزی و حرص و منافقت مبرا بوده و به برکت همین گونه کرکتر و سجایای عالی انسانی و علو همت پشتیبانی و حمایت و اعتماد مردم را جلب نموده بودند. با تاسف که این غازی مرد و تنی چند از غازیان و قهرمانان دیگر ملی از طرف امیر عبدالرحمن خان به بهانه های مختلف مورد شکنجه و آزار و تعقیب و پیگرد قرار گرفته و از میان برداشته شدند.

امروز کشور جنگ دیده و بحران زدهء ما بیش از هر زمان دیگر به همچو مردمان نامور و خدمتگاران صادق نیاز دارد که بتوانند با یک دید وسیع، سینه فراخ، علو همت و مناعت طبع و برخورد از روحیه همدیگر پذیری و تحمل و با احساس مسئولیت وطن و مردم را، بسوی وحدت و یک پارچگی هر چه بیشتر و همبستگی ملی دعوت نموده و از مرحلهء اتکاء به نیروی دیگران به مرحلهء اتکاء به نیروی خود ارتقاء دهند، تا باشد که به این همه بحران ها و بدامنی ها نقطه پایان گذاشته شود.

زنده باد افغانستان
دراهنزاز باد بیرق آزادی
شاد باد روح آن همه راد مردان راه آزادی، ترقی و تعالی کشور

منابع و ماخذ:

1. کاندید اکادمیسین محمد ابراهیم عطائی، نگاهی مختصر به تاریخ معاصر افغانستان، ترجمه دوکتور جمیل الرحمن کامگار، انتشارات میوند، کابل: ۱۳۸۴، ص ۱۶۲.
2. همان نویسنده، همان اثر، ص ۱۶۷.
3. علامه عبدالحق مجددی. حقیقت التواریخ. افغانستان از امیر کبیر تا رهبر کبیر، مرکز نشراتی میوند، پشاور ۱۳۷۸، ص ص ۱۵۶ و ۱۵۷.
4. میر غلام محمد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، جلد اول، مطبعه دولتی، کابل: ۱۳۴۶، ص ۶۱۳.
5. عتیق الله نائب خیل، قرار داد های افغانستان، چاپ دوم، انتشارات میوند، کابل: ۱۳۸۷، ص ۳۸.
6. حبیب الله رفیع. تاریخ فشرده افغانستان. پشاور: ۱۳۷۸، ص ۴۶.
7. سیدقاسم رشتیا، افغانستان در قرن ۱۹، ص ۳۳۹.
8. همان نویسنده، همان اثر، ص ۳۴۱.
9. میر غلام محمد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، جلد اول... ص ۶۲۴.
10. همان نویسنده، همان اثر، ص ۶۳۰.
11. حیات الله حلیم، غازی محمد جان خان، انتشارات د وردگو کلتوری یون. د چاپ کال ۱۳۷۸، ص ۱۸.
12. همانجا، ص ۳۴.
13. محمد ولی حلمی. زمونر غازیان، از نشرات اکادمی علوم، کابل: ۲۸ اسد ۱۳۶۸، ص ۹۶.
14. حیات الله حلیم، غازی محمد جان خان ص ۳۴.